



3

Vol. 4
Autumn 2023

Research Paper

Received:
25 July 2023
Revised:
12 October 2023
Accepted:
21 October 2024
Published:
21 November 2023
P.P: 11-33

ISSN: 2717-3674
E-ISSN: 2717-3666



Providing a monitoring framework for strategic transformations in the security environment of the Islamic Republic of Iran

Ahmadreza Mirzaei *¹ | Einollah Keshavarz Tork² | Hakem Ghasemi³
Mohammadraahim Eivazi⁴ | Ruhollah Bayat⁵

Abstract

Objective: The contemporary transformations in the West Asian region indicate the increasing potential of strategic transformations in the future of the region, which inevitably affect the actors and political units in this regional system. On this basis and with regard to the principle of preventing strategic surprises as well as early awareness of the opportunities and threats ahead in the security environment of the Islamic Republic of Iran, it is important to monitor these transformations. In order to find a comprehensive framework for monitoring strategic transformations in this region, the present research expresses two basic questions: how to view and analyze the dynamics of transformations; and also the important components and indicators for monitoring developments. In response to the first question, five security subsystems based on security interdependence derived from Bozari's security set theory were identified. In response to the second question, 51 components to monitor the security environment of the Islamic Republic in the West Asia region were obtained. This research, with a qualitative approach, has used documents and library studies to collect data and has used a descriptive analytical method to achieve the results of the research.

Keywords: Strategic transformations; Islamic Republic of Iran; Monitoring; Security environment.

1. Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran.
2. Faculty of Social Sciences, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran.
3. Faculty of Social Sciences, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran.
4. Professor, Director of the Futures studies, Shahed University, Tehran, Iran
5. Faculty of Social Sciences, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran

Cite this Paper: Mirzaei, A.R & Keshavarz Tork, E & Ghasemi, H & Eivazi, M.R & Bayat, R . (2023). Providing a monitoring framework for strategic transformations in the security environment of the Islamic Republic of Iran. *Crisis Management and Emergency Situations*, 3(4), 11–33. DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.27173674.1402.4.3.1.0>

Publisher: Imam Hussein University

Authors



This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0) .



ارائه چارچوب دیدبانی تحولات راهبردی محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران

احمدرضا میرزایی^۱ | عین‌اله کشاورز ترک^۲ | حاکم قاسمی^۳ | محمد رحیم عیوضی^۴ | روح‌اله بیات^۵

۳

دوره چهارم
پاییز ۱۴۰۲

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۴
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۷/۲۰
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۲۹
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۸/۳۰
صص: ۳۳-۱۱

شاپا چاپی: ۲۶۷۴-۲۷۱۷
الکترونیکی: ۳۶۶۶-۲۷۱۷



چکیده

تحولات معاصر در منطقه غرب آسیا ه نشان دهنده افزایش استعداد بروز تحولات راهبردی در آینده منطقه هستند که لاجرم کنشگران و واحدهای سیاسی موجود در این نظام منطقه‌ای را تحت تأثیر قرار میدهند. بر این اساس و با توجه به اصل پیشگیری از غافلگیری راهبردی و همچنین آگاهی زود هنگام از فرصت‌ها و تهدیدهای پیش رو در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران، دیدبانی این تحولات اهمیت می‌یابد. پژوهش حاضر برای یافتن چارچوبی جامع برای دیدبانی تحولات راهبردی در این منطقه، دو پرسش اساسی چگونگی نگرستن و تحلیل دینامیک تحولات؛ و همچنین مولفه‌ها و شاخص‌های مهم برای پایش تحولات را واکاوی می‌کند. در پاسخ به پرسش نخست، تعداد ۵ زیرسیستم امنیتی مبتنی بر وابستگی متقابل امنیتی برگرفته از نظریه مجموعه امنیتی بوزان شناسایی شدند. در پاسخ به پرسش دوم، تعداد ۵۱ مولفه برای دیدبانی محیط امنیتی جمهوری اسلامی در منطقه غرب آسیا احصا شدند. این پژوهش، با رویکردی کیفی از اسناد و مطالعات کتابخانه‌ای برای گردآوری داده‌ها استفاده کرده و روش توصیفی تحلیلی را برای نیل به نتایج پژوهش به کار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: تحولات راهبردی؛ جمهوری اسلامی ایران؛ دیدبانی؛ محیط امنیتی.

۱. نویسنده مسئول: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.
۲. دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران.
۳. دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران.
۴. استاد، مدیر گروه آینده‌پژوهی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.
۵. دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران.

استناد: میرزایی، احمد رضا و کشاورز ترک، عین‌اله و قاسمی، حاکم و عیوضی، محمد رحیم و بیات، روح‌اله (۱۴۰۲)، ارائه چارچوب دیدبانی تحولات راهبردی محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران، **نشریه علمی آینده پژوهی انقلاب اسلامی**،

DOR: [https://dorl.net/dor/20.1001.1.27173674.1402.4.3.1.0.11-33.\(4\)3](https://dorl.net/dor/20.1001.1.27173674.1402.4.3.1.0.11-33.(4)3)

نویسندگان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

این مقاله تحت لسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.



مقدمه و بیان مسئله

تحول در نظم جهانی و آرایش سیاسی جهان یکی از چالش‌های دنیای امروز است که اگر به درستی شناخته شده و با دیده فرصت‌نگریسته شود، فرصتی برای کشورها ایجاد می‌کند تا در گذر به نظام بین‌المللی جدید کنشگری مثبت داشته باشند. درک این فرصت تاریخی به دست آمده در چارچوب انقلاب اسلامی برای نیل به محوریت کشورهای مستقل و رهبری جبهه مقاومت در این برهه از تاریخ حیاتی به نظر می‌رسد (Shamsoddini & Arab bafrani, 2023). اما این مهم، بدون در نظر گرفتن محیط و شناخت از دینامیک تحولات آن دور از ذهن به نظر می‌رسد.

محیط به طور عام، از جمله مؤثرترین عوامل شکل‌دهنده به روندهای جاری و محتمل پیرامون پدیدارهای گوناگون است. اثرات محیطی معمولاً واجد تأثیرات بنیادی بر روندها بوده و به فراخور سایر عوامل و متغیرها می‌توانند در راستای تثبیت یا تغییر روندها مؤثر واقع شوند. این تأثیر در کنار ماهیت عوامل محیطی (ثابت و متغیر) موجب می‌شود تا پایش محیط همواره یکی از مهمترین فعالیت‌های ناظر بر پردازش راهبرد و گزینه‌های سیاستی باشد. در واقع هر موجودیتی در سطح/ واحدهای مختلف و متفاوت فروملی، ملی، منطقه‌ای، بین‌المللی و جهانی چه به‌منظور بقا و چه در راستای افزایش قدرت و توانمندی‌های خود نیازمند دستیابی به برآوردی دقیق از محدورات و مقدورات محیطی هستند که این مهم از رهگذر پویای محیطی تحولات و روندها حاصل می‌شود (Ataollahi, 2016).

موجودیت‌ها - خواه در سطوح فروملی و ملی و چه در سطوح فراملی و بین‌المللی - به‌منظور شناخت نیروهای خارجی تغییرپذیر یا عوامل پیدایش تغییر، اقدام به دیدبانی می‌کنند تا به کنش‌ها و واکنش‌های مؤثری دست یافته و نهایتاً کسب بیشترین منافع و مزایا را تضمین کنند. هدف از دیدبانی، جلوگیری از غافلگیری است که به‌واسطه تشخیص فرصت‌ها و تهدیدها در فرایند دیدبانی محقق شده و در عین حال می‌تواند موجب مزیت رقابتی برای موجودیت‌های مورد نظر باشد. به دیگر سخن در سایه دیدبانی است که موجودیت‌ها به فرصت‌ها و تهدیدهای محیط واقف شده، برنامه‌ریزی بلندمدت و کوتاه‌مدت خود را تدوین یا اصلاح می‌کنند (Pedram & Ahmadian, 2016).

با این مقدمه، پرسشی که در عرصه کشف فرصت‌ها و تهدیدهای محیطی از منظر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران مطرح می‌شود این است که اولاً، محیط امنیتی جمهوری اسلامی چگونه تعریف و شناخته می‌شود؟ دوماً، چه شاخص‌ها و مؤلفه‌هایی در این محیط امنیتی باید مورد پویش و دیدبانی محیطی قرار گیرند؟

در پاسخ به دو پرسش فوق می‌توان گفت مسئله اصلی این پژوهش کشف چارچوب دیدبانی تحولات راهبردی محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران است. بر این اساس، اهمیت و ضرورت انجام این پژوهش را می‌توان به ترتیب در یافتن بسترهای فرصت محیطی در جهت افزایش قدرت کنشگری و استفاده از منافع حاصله و شناخت بسترهای تهدید محیطی که می‌تواند امنیت کشور را با مخاطره روبه‌رو سازد خلاصه کرد.

در این رابطه ابتدا به بررسی مفاهیم نظری پیرامون موضوع پژوهش پرداخته و سپس از رهگذر روش‌شناسی منتخب به مسئله پژوهش خواهیم پرداخت.

مبانی نظری پژوهش

در بخش حاضر به بررسی ادبیات موجود پیرامون دیدبانی محیط امنیتی خواهیم پرداخت. به این ترتیب که ابتدا محیط امنیتی تعریف شده و شئون آن توصیف می‌شود. سپس منطقه غرب آسیا در مقام بستر جغرافیایی به عنوان یک مجموعه امنیتی مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ در گام بعد فرایند دیدبانی به طور عام معرفی شده؛ و در انتهای این بخش چارچوب PMSEIIP به عنوان یکی از ابزارهای بدیع و دقیق پویش محیطی در صحنه نبرد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

محیط امنیتی

تعاریف و توصیف‌های متفاوت و متنوعی در رابطه با مفهوم محیط امنیتی در ادبیات علمی وجود دارد که به نظر می‌رسد هر کدام از یک زاویه نگاه به این مفهوم ورود کرده و اهداف خاص خود را دنبال کرده‌اند. در اینجا سعی می‌شود مبتنی بر اسناد ابعاد این مفهوم بررسی شده و تعریف مورد نظر نگارندگان این مقاله ارائه شود.

یک دیدگاه، محیط امنیتی را عوامل پیچیده‌ای همچون محیط داخلی، محیط خارجی و تأثیرپذیر از محیط بین‌المللی در نظر می‌گیرد که با شناخت از آن می‌توان رفتار سایر بازیگران صحنه را پیش‌بینی و مدیریت کرد (Finizadeh Bidgoli, 2017).

دیدگاه دیگر، محیط امنیتی را به عنوان فضایی در نظر می‌گیرد که در آن فضا بازیگران می‌توانند نیازهای امنیتی خود را دسته‌بندی و پیگیری کنند (Farhadi, 2017).

در نگاه دیگری که به مفهوم محیط امنیتی وجود دارد، مفاهیم جغرافیای سیاسی و فرهنگی در ترکیب با بازیگرانی فعال و دارای مولفه‌های امنیتی را در نظر گرفته و تاکید دارد که در این فضا شاخص‌های رقابت، همکاری، تعهد، وابستگی، سلطه، تعارض، هژمون، انزوا و نفوذ کارکرد می‌یابند (Aghajani & Mottaghi, 2017).

اگرچه تعاریف و توصیف‌های دیگری برای این مفهوم وجود دارد، سه دیدگاه عمده ذکر شده تقریباً تمامی وجوه مورد نظر دانشمندان علوم سیاسی و روابط بین‌الملل را در این حوزه پوشش می‌دهد. با این حال و مبتنی بر مسئله و اهداف این پژوهش، محیط امنیتی عبارت است از شرایط حاکم بر محیط پیرامونی کشور که متأثر از تعامل و تقابل بازیگران منطقه‌ای و مداخلات فرامنطقه‌ای که امنیت ملی را تحت تأثیر (تضعیف، تقویت یا دگرگونی) قرار می‌دهد.

مجموعه امنیتی غرب آسیا

«آسیای غربی» در اوایل قرن ۱۹ به عنوان یک اصطلاح جغرافیایی استفاده می‌شد، قبل از اینکه «خاور نزدیک» به عنوان یک مفهوم ژئوپلیتیک رایج شود (Renell, 2014). در قرن بیستم، «آسیای غربی» برای نشان دادن یک دوره جغرافیایی خشن در زمینه‌های باستان‌شناسی و تاریخ باستان، به‌ویژه به‌عنوان خلاصه‌نویسی برای «هلال حاصلخیز به استثنای مصر باستان»^۱ به منظور مقایسه تمدن‌های اولیه مصر استفاده می‌شد. سابقه استفاده از این اصطلاح در زمینه ژئوپلیتیک معاصر یا اقتصاد جهانی به نظر می‌رسد حداقل از اواسط دهه ۱۹۶۰ شروع شود (Van Der Meer, 1955)(Butzer, 1965).

1 the Fertile Crescent Excluding Ancient Egypt

طبق تعریف بوزان، مجموعه‌ی امنیت منطقه‌ای عبارت است از مجموعه‌ای از واحدها که فرایندهای اصلی امنیت، عدم امنیت و یا هر دوی آن‌ها به نحوی در هم تنیده‌اند که مسایل امنیتی واحدها به لحاظ منطقی نمی‌تواند منفک از یکدیگر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته یا حل و فصل گردد. (Buzan & Waever, 2003) به نظر می‌رسد هدف اصلی جلوه دادن بخش‌های عمده‌ای از فرایند امنیتی و غیر امنیتی کردن مسایل بین‌المللی در قالب مجموعه‌های منطقه‌ای باشد. چراکه چنین مجموعه‌هایی از فرایندهای امنیتی و غیر امنیتی کردن در سطح بین‌الملل مجزا بوده و به همین نسبت پایدارتر هستند.

بوزان بر آن است که مناطق صرفاً جغرافیایی نیستند، بلکه برای اطلاق عنوان مجموعه‌ی امنیتی به یک منطقه‌ی خاص وجود پیش فرض‌هایی لازم است. این پیش فرض‌ها عبارت‌اند از:

۱. مجاورت جغرافیایی؛

۲. الگوهای دوستی و دشمنی؛

۳. وابستگی متقابل؛ و

۴. کنشگران مؤثر.

در کنار عوامل یاد شده حضور دست کم دو کنش‌گر موثر با رویکرد تقابلی و یا احساس هراس و تهدید متقابل میان دو یا چند کشور قدرتمند در یک مجموعه از الزامات این چارچوب است. هراس یا تهدید متقابل در این معنا، به ارتباطات امنیتی دو کنش‌گر قدرتمند (محلّی یا خارجی) در مجموعه اشاره دارد؛ بوزان وجود هراس و نگرانی دو طرف نسبت به یکدیگر را از ملزومات بنیادین یک مجموعه‌ی امنیتی می‌پندارد. (Buzan & Waever, 2003) لذا یک مجموعه امنیت منطقه‌ای ذاتاً نمی‌تواند در یک منطقه با مشارکت چند کشور ضعیف شکل گیرد، اما در عین حال ممکن است مجموعه‌ای امنیتی با مشارکت دو قدرت منطقه‌ای موثر و چند کشور ضعیف به وجود آید.

بر اساس مؤلفه‌های یاد شده برای مجموعه‌های امنیتی و همچنین بر اساس دیدگاه فریزر و استوارت که مبتنی بر نظریه مجموعه‌های امنیتی مطرح شده است (Normohammadi & Fasihi Dolatshahi, 2018)، می‌توان گفت با توجه به روابط و وابستگی‌های ژئواستراتژیک حاکم بر نقطه برخورد سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا، منطقه غرب آسیا کشورهای ایران، کشورهای

عربی حوزه خلیج فارس (عمان، امارات متحده عربی، عربستان سعودی، کویت، قطر، یمن، بحرین، عراق)، شامات (سوریه، اردن، لبنان، فلسطین)، ترکیه، قبرس و منطقه قفقاز جنوبی (گرجستان، آذربایجان، ارمنستان) را شامل می‌شود.

تاریخ تحولات منطقه غرب آسیا در دهه گذشته نشان می‌دهد مهم‌ترین اولویت کشورهای منطقه و البته قدرت‌های فرامنطقه‌ای تأمین امنیت و ثبات بوده است. طی پنجاه سال گذشته مجموعه‌ای از ترتیبات امنیتی در این منطقه اجرا شده است که به دلایلی این ترتیبات با شکست روبه‌رو شده‌اند (Vaezi, 2007). همچنین شواهد نشان می‌دهد غرب آسیا یکی از نظامی‌ترین مناطق خارج از جهان غرب است. این به آن دلیل است که در این منطقه دولت‌ها به عنوان اصلی‌ترین کنشگران و ایفا کننده نقش اصلی مطرح بوده‌اند. این سبب شده تا ذهنیت تصمیم‌گیرندگان بر محور تعارض منافع کشورها بنا شده و همواره انباشت قدرت لازمه حیات بخشیدن به امنیت خواهد بود (Daheshyar, 2008).

دیدبانی

واژه پویش^۱ در ادبیات رایج آینده‌پژوهی در جهان به سه شکل پویش، پویش محیطی^۲ و پویش افق^۳ برای انجام فعالیت‌های مشابه مورد استناد قرار می‌گیرد (Miles et al., 2016). از دیدگاه دیوید، هشدار زود هنگام^۴ راهبردی نتیجه انجام فعالیتی با عنوان دیدبانی است. بر این اساس، هدف از دیدبانی، آگاه‌سازی صاحبان تصمیم از تحولات خارجی یا داخلی سازمان برای کسب آمادگی در رویاروی با شرایط آینده و اتخاذ تدابیر مناسب است (David, 2005). فاهی و کینگ بر این عقیده هستند که سازمان‌ها محیط را به منظور: تشخیص روندها و الگوهای متغیر، پایش روندها و الگوهای خاص، آینده‌نگری پیرامون جهت‌گیری‌های دگرگونی‌ها و تحولات و الگوهای ارزیابی تأثیر این رخدادها بر سازمان مورد بررسی قرار می‌دهند (Fahey & King, 1977).

علاوه بر مفاهیمی همچون الگوها و روندها، نشانه‌های ضعیف تغییر نیز از مولفه‌های مهم برای پویش در فرایند دیدبانی هستند. نشانه‌های ضعیف، به تعبیر شومیکر تکه‌هایی به ظاهر تصادفی

- 1 Scanning
- 2 Environmental Scanning
- 3 Horizon Scanning
- 4 Early Warning

هستند که در نگاه اول شاید به عنوان نوین زمینه شناسایی شوند، حال آنکه ممکن است قطعه‌ای از یک الگوی کلان باشند که در نسبت با دیگر قطعات معنا پیدا می‌کنند. در حوزه مدیریت بحران، اعتقاد بر این است که بحران پیش از بروز به عنوان بحران، دنباله‌ای از هشدارها و نشانه‌ها را صادر می‌کند که می‌توان آنها را به عنوان نشانه‌های ضعیف استنباط کرد (Seifi Kalestan et al., 2022).

بر اساس مفاهیم عنوان شده و ادبیات مورد بررسی، به عنوان یک تعریف مختار می‌توان گفت: «دیدبانی عبارت است از مجموعه فعالیت‌های کاوش و نظارت بر مولفه‌های توصیف کننده محیط سازمان که امکان تشخیص تغییرات و پیش‌بینی احتمالات آینده را فراهم می‌سازند». به زعم نگارندگان، به دلیل بروز تغییرات ناگهانی در جهان بین‌الملل، انقلاب‌ها، کودتاها و بی‌ثباتی‌ها در جهان، پایش محیط خارجی گسترده‌ترین بخش فعالیت دیدبانی جهت درک فضای پرتلاطم و ناپایدار بیرونی و سنجش و درک تأثیر آن روی نظام‌های سیاسی و نگاه‌های اقتصادی به شمار می‌رود.

افراز حوزه‌های راهبردی در چارچوب 'PMSEIIPPT'

چارچوب امنیت از دیدگاه بوزان در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی و زیست محیطی قابل بررسی است؛ که با استفاده از مفهوم بقا و تهدید وجودی، در بعد اقتصادی، ذات بازار؛ در بعد سیاسی، ایده حاکمیت؛ در بعد اجتماعی، هویت؛ در بعد نظامی، دولت؛ و در بعد زیست‌محیطی، تنوع را به عنوان مرجع امنیت می‌دهد (Tabatabaei & Fathi, 2015). با توجه به چارچوب ارائه شده توسط بوزان، طرح اولیه دسته‌بندی شاخص‌های دیدبانی راهبردی غرب آسیا بر این اساس قابل پیگیری است. اما باید توجه داشت که این چارچوب بسیار کلی و فاقد جزئیات لازم در جهت تشخیص شاخص‌های دیدبانی در هر کدام از دسته‌ها است. در این مقام، استفاده از فریمورک‌های پویش محیطی راهبردی نظیر PMSEIIPPT در جهت نیل به شاخص‌های دیدبانی می‌تواند راهگشا باشد.

PMSEIIPPT ابزاری برای دیدبانی در صحنه نبردهای پیچیده است که توسط ارتش ایالات متحده ابداع شده است. این چارچوب، مزیت ویژه‌ای برای سازماندهی اطلاعات، آماده‌سازی منابع

IPMESIIPPT: Political, Military, Economic, Social, Information/Intelligence, Infrastructure, Physical Environment, Time

و اجرای عملیات در خارج از کشور ایجاد می‌کند و برای نیل به درک زمینه‌ای در یک محیط اطلاعاتی-عملیاتی عملکرد مطلوبی دارد. مفهوم PMESIIPT تعاملات صحنه^۱ را در یک سیستم ترکیب می‌کند و چارچوبی برای طراحی عملیاتی و برنامه‌ریزی مشترک بین انواع نیروهای راهبردی خودی و هم‌پیمان ایجاد می‌کند (Kodalle, T., Ormrod, D., Sample, C., & Scott, K., 2020).

چنان که گفته شد این چارچوب، دیدبانی صحنه نبرد در ابعاد سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی، اطلاعاتی، زیرساختی، محیط فیزیکی و زمانی را پیشنهاد می‌کند:

سیاسی^۲؛ قدرت سیاسی و سطح روابط دیپلماتیک بین کشورهای منطقه، بازیگران خارجی، ساختار و سلسله مراتب در محیط عملیاتی را شامل می‌شود.

نظامی^۳؛ این مولفه قابلیت‌های همه بازیگران مرتبط اعم از دشمن، دوست و بی‌طرف را در محیط عملیاتی توصیف می‌کند.

اقتصادی^۴؛ علاوه بر وضعیت صنعت و تجارت بازیگران هدف، رفتار افراد یا گروه‌ها نسبت به تولید، توزیع یا مصرف منابع و همچنین کمک‌های خارجی و مدیریت مالی نیز از اهداف بررسی‌های اقتصادی به شمار می‌رود.

اجتماعی^۵؛ از زاویه این مولفه ترکیب قومی، فرهنگی یا مذهبی محیط عملیاتی و به تبع آن باورها، ارزش‌ها و آداب و رسوم که توسط افراد جوامع هدف انجام می‌شود دارای اهمیت و در مرکز توجه خواهند بود.

اطلاعات^۶؛ متغیر اطلاعات ماهیت، دامنه و ویژگی‌های کسانی را که اطلاعات را گردآوری، پردازش، انتشار و بهره‌برداری می‌کنند، توصیف می‌کند. این مولفه بیشتر مورد علاقه و کاربرد نهادهای اطلاعاتی است.

زیرساخت^۶؛ این مولفه امکانات یا خدماتی را توصیف می‌کند که عملکرد کارآمد یک جامعه را به عنوان یک کل حفظ می‌کند.

1 Domain Interactions
2 Political
3 Military
4 Economic
5 Social
6 Information / Intelligence

محیط فیزیکی^۱؛ در سطح کلان، محیط فیزیکی، آب و هوا، جغرافیا، مخاطرات زیستی، رودخانه‌ها و سایر منابع طبیعی محیط عملیاتی را توصیف می‌کند.

زمان^۳؛ این مولفه زمان‌بندی یا مدت فعالیت‌ها یا رویدادها در محیط عملیاتی را در نظر می‌گیرد. زمان یا مدت زمان توسط بازیگران مختلف چگونه مشاهده می‌شود؟ در زمینه نظامی، متغیر زمان بر عملیات نظامی که مربوط به تصمیم‌گیری، سرعت عملیات و برنامه‌ریزی است، تأثیر می‌گذارد.

پیشینه پژوهش

آقایی و نورعلی‌وند (۱۳۹۸) در پژوهش خود به ارتباط سیاستگذاری خارجی و محیط امنیتی ورود کرده و محیط امنیتی را به عنوان یک نظام سیاستگذاری خارجی و امنیتی می‌انگارد. آنها نشان می‌دهند که داده‌های محیط امنیتی در قالب تصمیم‌های شناخته شده‌ای همچون دکترین امنیتی، سیاست امنیتی، رویکردهای سیاست خارجی و ... بروز و ظهور می‌یابد (Aghaee & Nooralivand, 2020).

دهشیری و شاه‌مرادی (۱۳۹۹) عوامل و روندهای تعیین‌کننده در نظم امنیتی منطقه غرب آسیا در سه عرصه فرایندها، بازیگران و ساختارها را به عنوان مولفه‌های درهم‌تنیده مورد بررسی قرار می‌دهد. ایشان ساختارهای تأثیرگذار بر نظم و امنیت منطقه را واکاوی کرده و نقش بازیگران فرامنطقه‌ای، بازیگران فروملی و بازیگران ملی را تبیین می‌کنند (Dehshiri & Shahmoradi, 2020).

پژوهش فقیه‌زاده، اسلامی و جمشیدی (۲۰۱۹)، اگرچه بررسی ویژگی‌های گفتمان سازنده درونی اسرائیل را مد نظر قرار می‌دهد، از حیث اینکه تأثیر محیط امنیتی یکی از موجودیت‌های واقع در منطقه غرب آسیا را در شکل‌گیری هویت آن مورد کنکاش قرار می‌دهد اهمیت می‌یابد (Faghihzadeh et al., 2019).

1 Infrastructure
2 Physical Environment
3 Time

شمس‌الدینی و عرب بافرانی (۱۴۰۲)، به مفهوم نظم جهانی پرداخته و تحولات جوامع را متأثر از این مفهوم واکاوی می‌کند. توجه به سه عدم قطعیت ژئوکالچر، ژئواکونومی و ژئوپلیتیک در توسعه سناریوهای آینده نظم جهانی که به نوعی زمینه‌های راهبردی تحولات را شامل می‌شوند از نکات مهم این پژوهش به حساب می‌آیند (Shamsoddini & Arab Baferani, 2023).

پژوهش ابوذری سیفی کلاستان و همکاران (۱۴۰۱)، از حیث پرداختن به یکی از مفاهیم بسیار با اهمیت در آینده‌پژوهی، علائم ضعیف تغییر، بسیار واجد اهمیت است. چرا که فرایند دیدبانی تنها به پویا و پایش روندها و رخداد‌های بزرگ و تأثیرگذار خلاصه نمی‌شود. در این پژوهش علائم ضعیف تغییر به عنوان نطفه‌های تحولات بزرگ در آینده شناخته شده و کاربردی آن در آینده‌پژوهی حوزه فناوری مورد بررسی و کنکاش قرار گرفته است (Seifi Kalestan et al., 2022).

جدول ۱. عنوان یا توضیح مختصر

ردیف	نویسنده / نویسندگان (سال پژوهش)	عنوان پژوهش	روش شناسی پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش
۱	سید داود آقایی یاسر نورعلی‌وند (۱۳۹۸)	محیط امنیتی و سیاستگذاری خارجی و امنیتی؛ ارائه یک الگوی تحلیلی	توصیفی تحلیلی	چارچوب روش‌شناختی برای کشف ارتباط محیط امنیتی با سیاستگذاری خارجی
۲	محمد رضا دهشیری حسین شاهمرادی (۱۳۹۹)	عوامل تعیین‌کننده در نظم امنیتی غرب آسیا بر اساس نظریه موازنه همه جانبه	توصیفی تحلیلی	ترسیم آینده نظم امنیتی غرب آسیا مبتنی بر امنیت شبکه‌ای
۳	Hamed Faghihzadeh Gorji Mohsen Eslam Mohammad Hossein Jamshidi (2019)	Geopolitical Security Environment of Israel and its Identical Policy	analytical-historical	فضای امنیتی حاکم بر اسرائیل نقش اساسی در اتخاذ تصمیم‌ها و بروز رفتارهای این رژیم داشته است

ردیف	نویسنده / نویسندگان (سال پژوهش)	عنوان پژوهش	روش شناسی پژوهش	مهم ترین یافته ها و نتایج مرتبط با پژوهش
۴	محمد شمس الدینی محمد رضا عرب بافرانی (۱۴۰۲)	نطفه بندی نظم جدید جهانی و سناریوهای هندسهی آیندهی جهان	سناریونگاری	سناریوهای نظم بین الملل
۵	ابوذر سیفی کلستان محمد رضا قرایی آشتیانی ناصر پورصادق (۱۴۰۱)	بررسی روش شناسی و جایگاه مفهومی نشانه های ضعیف در ادبیات آینده پژوهی و فناوری های نوپدید؛ یک مطالعه مقایسه ای_کیفی	مقایسه ای - کیفی	لزوم بازتعریف نشانه های ضعیف تغییر به منظور انطباق با تحولات و پیشگیری از غافلگیری

روش شناسی پژوهش

با توجه به مسئله اصلی پژوهش، شناسایی چارچوب ارزیابی تحولات راهبردی در محیط امنیتی جمهوری اسلامی، خروجی نهایی این تحقیق فهرستی از شاخص های دیدبانی و زیرسیستم های امنیت منطقه ای در غرب آسیا برای کسب آگاهی موقعیتی در این منطقه امنیتی است.

پژوهش حاضر در دسته بندی کلان یک مطالعه کیفی و از نظر منطق استدلال، شناسایی و تعیین ارتباط بین مفاهیم و متغیرها توصیفی-تحلیلی است. گردآوری داده ها به روش کتابخانه ای صورت گرفته و تلاش شده است تا در عین جامعیت، از ورود اطلاعات موازی و اضافه به متن مقاله اجتناب شود.

در بخش مبانی نظری، تلاش بر این بوده تا مفهوم محیط امنیتی تعریف و محیط امنیتی کشور ایران در منطقه غرب آسیا به عنوان یک مجموعه امنیت منطقه ای واجد مصداق شود. از سوی دیگر مفهوم و مبانی دیدبانی به عنوان ابزار کسب آگاهی موقعیتی از محیط سازمان مورد بررسی قرار گرفت. در نهایت، مبانی نظری با افراز محیط امنیتی به حوزه های راهبردی مبتنی بر چارچوب پیشرفته دیدبانی PMSEIPT پایان می یابد.

بخش تحلیلی گزارش در دو مرحله مجزا به چارچوب دیدبانی تحولات راهبردی محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران منتهی خواهد شد:

۱. شناسایی زیرسیستم‌های مجموعه امنیتی غرب آسیا

۲. شناسایی مولفه‌های دیدبانی تحولات راهبردی

این بخش به روش مصاحبه باز از ۲۷ نفر خبرگان حوزه سیاست خارجی (۵ نفر)، اقتصاد و تجارت (۵ نفر)، جامعه‌شناسی (۳ نفر)، نظامی (۳ نفر)، هوشمندی و اطلاعات (۳ نفر)، پدافند غیرعامل (عمران و زیرساخت ارتباطات) (۵ نفر) و محیط زیست (۳ نفر) انجام می‌پذیرد. منطق تعیین تعداد افراد منتخب در حوزه‌های تخصصی فوق‌الذکر نیل به اشباع نظری بوده است.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش در دو بخش زیرسیستم‌های مجموعه امنیتی غرب آسیا و مولفه‌های دیدبانی تحولات راهبردی به عنوان دو عنصر سازنده چارچوب دیدبانی تحولات راهبردی محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران ارائه می‌شوند.

زیرسیستم‌های مجموعه امنیتی غرب آسیا

با توجه به روند تحولات و رویدادهای با اهمیت این منطقه از ابتدای قرن ۲۱ میلادی که از جمله آنها می‌توان به جنگ ۲۰۰۶ اسرائیل علیه لبنان، انقلاب‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ کشورهای عربی، ظهور گروه‌های تکفیری از جمله داعش در ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷، جنگ عربستان علیه یمن ۲۰۱۵، پیروزی طالبان و تشکیل دولت در افغانستان در ۲۰۲۱ و ... اشاره کرد؛ هر کدام از این تحولات به تنهایی برای امنیتی انگاشتن یک منطقه کفایت می‌کند. بنابراین به نظر می‌رسد نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای بوزان مرتبط‌ترین گزینه برای تحلیل تحولات غرب آسیا بوده است.

چنان که در مبانی نظری پژوهش اشاره شد، مولفه‌های نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای عبارت‌اند از: مجاورت جغرافیایی، وابستگی متقابل امنیتی، کنشگران موثر و الگوهای دوستی و دشمنی؛ که زیرسیستم‌های مورد نظر را مبتنی بر وابستگی متقابل امنیتی احصا می‌کنیم. صرف نظر کردن از مولفه اول به دلیل اشتراکات بسیاری است که زیرسیستم‌های مبتنی بر این مولفه با مولفه دوم یعنی وابستگی متقابل امنیتی دارند. به عبارت دیگر، زیرسیستم‌های مبتنی بر مولفه دوم

مجاورت جغرافیایی را نیز شامل می‌شوند. کنار گذاشتن مولفه چهارم (الگوهای دوستی و دشمنی) به ماهیت وابسته آن به دو مورد ابتدایی بازمی‌گردد. همچنین کنشگران موثر حضور و کنشگری اصیل در هیچکدام از زیرسیستم‌ها ندارند و در نهایت نقش مداخله‌گر تقویت یا تضعیف‌کننده ارتباطات و وابستگی‌ها را می‌توانند ایفا کنند. به همین دلیل، تنها زیرسیستم‌ها را مبتنی بر وابستگی متقابل امنیتی شناسایی می‌کنیم.

وابستگی متقابل امنیتی در غرب آسیا موضوعی پیچیده و پویا است که بازیگران، منافع و تضادهای متعددی را در بر می‌گیرد. در این زمینه، وابستگی متقابل امنیتی به وابستگی متقابل این کشورها به یکدیگر برای تامین امنیت و ثبات آنها و همچنین نفوذ قدرت‌های خارجی مانند آمریکا، روسیه و چین اطلاق می‌شود.

زیرسیستم‌های غرب آسیا مبتنی بر وابستگی متقابل امنیتی، گروه‌بندی‌های زیرمنطقه‌ای از دولت‌ها هستند که تهدیدات و منافع امنیتی مشترکی در مجموعه امنیت منطقه‌ای^۱ غرب آسیا دارند. با این حال، در داخل یک مجموعه امنیت منطقه‌ای، می‌تواند زیرسیستم‌های کوچک‌تری وجود داشته باشد که تعاملات امنیتی شدیدتری نسبت به سایر دولت‌های منطقه داشته باشند.

یکی از راه‌های شناسایی زیرسیستم‌های غرب آسیا بر اساس وابستگی متقابل امنیتی، استفاده از رویکرد بخشی^۲ است که امنیت را به ابعاد مختلف نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و محیطی تقسیم می‌کند. هر بخش می‌تواند زیرسیستم‌های خاص خود را داشته باشد که ممکن است با سایر بخش‌ها همپوشانی داشته باشند یا متفاوت باشند. به عنوان مثال، در بخش نظامی، می‌توان زیرسیستم‌هایی مانند زیرسیستم تنازع اعراب و اسرائیل، زیرسیستم شورای همکاری خلیج فارس (GCC)، زیرسیستم هلال شیعی شامل کشورهای ایران، عراق، سوریه، لبنان و زیرسیستم ترکیه، ایران و عراق را شناسایی کرد. در بخش سیاسی، می‌توان زیرسیستم‌هایی مانند زیرسیستم اتحادیه عرب و زیرسیستم کرد را شناسایی کرد. و در بخش اجتماعی می‌توان خرده نظام‌هایی مانند خرده نظام سنی-شیعه، خرده نظام عرب-فارس-ترک-کرد و خرده نظام قومی-اقلیتی را شناسایی کرد (Seeberg, 2016).

1 Regional Security Complex (RSC)

2 Sectoral Approach

روش دیگر برای شناسایی زیرسیستم‌ها در خاورمیانه بر اساس وابستگی متقابل امنیتی، استفاده از رویکرد متغیر^۱ است که بر عوامل خاصی که بر روابط امنیتی بین دولت‌ها تأثیر می‌گذارد تمرکز دارد. برخی از این متغیرها عبارتند از:

۱. قطبیت (توزیع قدرت بین دولت‌ها)؛
۲. اتحاد (تشکیل ترتیبات همکاری بین دولت‌ها)؛
۳. موازنه تهدید (درک تهدید در بین دولت‌ها)؛
۴. نوع حکومت (ماهیت نظام‌های سیاسی در بین دولت‌ها)؛
۵. هویت (احساس تعلق و تفاوت بین دولت‌ها)؛
۶. مداخله (دخالت بازیگران خارجی در امور منطقه).

هر متغیر می‌تواند تأثیر خاص خود را در ایجاد یا تغییر وابستگی متقابل امنیتی بین دولت‌ها داشته باشد. به عنوان مثال، قطبیت می‌تواند بسته به اینکه دو یا چند دولت بر سیاست منطقه ای تسلط داشته باشند، زیرسیستم‌های دوقطبی یا چند قطبی ایجاد کند. ائتلاف می‌تواند بسته به اینکه آیا دولت‌ها با قدرت‌های خارجی یا در برابر آن‌ها همسو هستند، زیرسیستم‌های طرفدار غرب یا ضد غرب ایجاد کند. موازنه تهدید می‌تواند بسته به اینکه دولت‌ها یکدیگر را دوست یا دشمن درک کنند، زیرسیستم‌های مشارکتی یا رقابتی ایجاد کند. نوع حکومت بسته به اینکه دولت‌ها دارای ارزش‌های سیاسی مشابه یا متفاوتی هستند، می‌تواند زیرسیستم‌های دموکراتیک یا استبدادی ایجاد کند. هویت می‌تواند بسته به اینکه دولت‌ها بر وابستگی‌های مذهبی یا قومیتی تأکید داشته باشند، خرده نظام‌های فرقه‌ای یا ملی‌گرایانه ایجاد کند. مداخله می‌تواند بسته به اینکه آیا دولت‌ها بر تأثیر خارجی تکیه می‌کنند یا در برابر آن مقاومت می‌کنند، زیرسیستم‌های وابسته یا مستقل ایجاد کند (Koch, Stivachtis, Yannis, 2019).

جریان نفت و انرژی عوامل مهمی هستند که بر امنیت، اقتصاد و سیاست غرب آسیا و همچنین روابط آن با سایر مناطق تأثیر می‌گذارند. زیرمجموعه‌های منطقه‌ای در غرب آسیا بر اساس جریان‌های نفت و انرژی، گروه‌های زیرمنطقه‌ای از دولت‌ها هستند که منافع و چالش‌های مشترک

مربوط به تولید، مصرف و صادرات نفت و سایر منابع انرژی مشترک دارند. برخی از زیرمجموعه‌های منطقه‌ای مبتنی بر جریان نفت و انرژی عبارتند از:

زیرمجموعه شورای همکاری خلیج فارس (GCC): این زیرمجموعه متشکل از بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی (امارات متحده عربی) است که از بزرگترین تولیدکنندگان و صادرکنندگان نفت جهان هستند. آنها یک اتحاد سیاسی و اقتصادی برای هماهنگ کردن سیاست‌های خود در زمینه تولید، قیمت گذاری و امنیت نفت و همچنین تنوع بخشیدن به اقتصاد خود به دور از وابستگی به نفت تشکیل داده‌اند (Young, 2021) (Redden, 2022).

زیرمجموعه ایران، عراق، سوریه و لبنان: این زیرمجموعه متشکل از کشورهای ایران، عراق، سوریه و لبنان است که از تولیدکنندگان مهم نفت نیز هستند اما با چالش‌های متفاوتی نسبت به کشورهای شورای همکاری خلیج فارس مواجه هستند. ایران تحت تحریم‌های آمریکا قرار دارد که صادرات نفت و دسترسی به بازارهای جهانی را محدود می‌کند. عراق پس از سال‌ها جنگ و بی‌ثباتی که به بخش نفت این کشور آسیب رساند، در حال بهبود است. سوریه درگیر جنگ داخلی است که تولید و صادرات نفت این کشور را مختل کرده است. لبنان با بحران اقتصادی و بن بست سیاسی مواجه است که امنیت انرژی آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این کشورها همچنین با تقابل یا حمایت بازیگران غیردولتی مانند داعش، حزب الله، محور مقاومت در برابر اسرائیل و آمریکا را تشکیل داده‌اند (Dehshiri & Shahmoradi, 2020).

زیرمجموعه ترکیه-ایران-عراق: این زیرمجموعه متشکل از ترکیه، ایران و عراق است که نه تنها تولیدکننده نفت هستند، بلکه کشورهای ترانزیت خطوط لوله نفت و گاز هستند که خاورمیانه را به اروپا و آسیا متصل می‌کنند. آنها منافع رقابتی و همکاری در تأمین منابع و بازارهای انرژی خود و همچنین تأثیرگذاری بر سیاست منطقه‌ای دارند. آنها همچنین روابط پیچیده‌ای با جمعیت کرد در سرزمین‌های خود یا کشورهای همسایه دارند که به دنبال خودمختاری یا استقلال بیشتر هستند (Faghihzadeh Et al., 2019) (Puri-Mirza, 2022).

مجتمع فرعی مصر-اسرائیل-اردن-قبرس-یونان: این زیرمجموعه متشکل از مصر، اسرائیل، اردن، قبرس و یونان است که به دلیل اکتشافات گاز طبیعی در دریای مدیترانه شرقی به عنوان بازیگران جدیدی در صحنه انرژی منطقه ظاهر می‌شوند. آنها مشارکتی به نام مجمع گاز

مدیترانه شرقی^۱ (EMGF) برای همکاری در توسعه منابع گاز خود و ایجاد بازار گاز منطقه ای تشکیل داده اند. آنها همچنین با چالش هایی از سوی ترکیه روبرو هستند که مرزهای دریایی آنها و ادعاهای آنها بر سر میادین گازی را مورد مناقشه قرار می دهد (Faghihzadeh Et al., 2019) (Young, 2021).

هنگامی که سخن از وابستگی متقابل امنیتی به میان می آید، پای همسایگان شرقی و شمال شرقی ایران نیز به تحولات منطقه غرب آسیا باز خواهد شد. بر این اساس، روندها و رویدادهای تأثیرگذار بر کشورهای پاکستان، افغانستان، ترکمنستان و همچنین تعاملات آنها با کشور ایران و دیگر کشورهای غرب آسیا بر تحولات راهبردی این منطقه تأثیرگذار است.

مسئله صادرات گاز به پاکستان و هند، سوآپ گازی ترکمنستان-ایران-آذربایجان، صادرات گاز به افغانستان و تاپی (خط لوله گاز ترکمنستان، افغانستان، پاکستان و هند) همگی نشان دهنده اهمیت همسایگان شرق و شمال شرق برای ایران به تبع منطقه غرب آسیا هستند. از سوی دیگر، قربت ایدئولوژیک گروه های قدرت سلفی پاکستان و طالبان افغانستان با عربستان سعودی که به نحوی ابزار ایجاد ناامنی و اعمال قدرت رژیم سعودی بر ایران از سمت شرق هستند بر اهمیت کشورهای مرزهای شرقی از منظر امنیتی صحنه می گذارد. بر اساس این رهیافت، زیرسیستم دیگری در مرزهای شرقی ایران شامل کشورهای هند، پاکستان، افغانستان و ترکمنستان قابل شناسایی است. بر اساس نظر کارشناسان، این زیرسیستم نقش بسیار با اهمیتی در ایجاد توازن و شکل دادن به نظم راهبردی در منطقه غرب آسیا دارد.

بر اساس یافته های این بخش، زیرسیستم های مبتنی بر وابستگی متقابل امنیتی در غرب آسیا طبق نظر کارشناسان شامل موارد مندرج در جدول ... هستند.

جدول ۱. زیرسیستم های مبتنی بر وابستگی متقابل امنیتی

ردیف	زیرسیستم های مبتنی بر وابستگی متقابل امنیتی
۱	هند، پاکستان، افغانستان، ترکمنستان
۲	محور مقاومت: ایران، عراق، سوریه، لبنان، یمن
۳	بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی
۴	مصر، اسرائیل، اردن، قبرس، یونان
۵	ترکیه، ایران، عراق

1 East Mediterranean Gas Forum (EMGF)

مولفه‌های دیدبانی تحولات راهبردی

مبتنی بر چارچوب دیدبانی PMSEIPT، خبرگان مرتبط با هر کدام از حوزه‌های مستقل این چارچوب در رابطه با مولفه‌های با اهمیت آن حوزه در کشورهای ذیل منطقه غرب آسیا و همچنین با توجه به زیرسیستم‌های احصا شده مورد پرسش قرار گرفتند. بر اساس پرسش‌های مصاحبه، هر کدام از خبرگان پاسخ‌هایی را ارائه دادند که با توجه به تکرار شیوه بیان و انتخاب واژگان ویژه هر فرد، یک مرحله پالایش و خالص‌سازی مفهومی روی موارد انجام پذیرفت. در نهایت شاخص‌های دیدبانی راهبردی منطقه غرب آسیا بر اساس نظرات خبرگان در جدول ... جمع‌بندی شده و قابل مشاهده است.

جدول ۲. شاخص‌های دیدبانی راهبردی منطقه غرب آسیا

شاخص دیدبانی		حوزه دیدبانی	ردیف
کیفیت شبکه ارتباطی دولت‌ها در منطقه	رویکرد رهبران سیاسی کشورهای منطقه نسبت به ایران	سیاسی و دیپلماتیک	۱
کیفیت شبکه ارتباطی دولت‌ها با کنشگران خارجی	قدرت اعمال حاکمیت دولت‌ها درون مرزهای خود		
گروه‌های قدرت رسمی معارض یا مدافع دولت‌ها	قدرت اعمال حاکمیت دولت‌ها خارج از مرزهای خود		
گروه‌های قدرت غیررسمی معارض یا مدافع دولت‌ها	میزان کارآمدی و مشروعیت دولت‌های منطقه		
وضعیت همگرایی و ائتلاف‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای	مهم‌ترین مسائل داخلی دولت‌های منطقه		
تحركات سیاسی و دیپلماتیک دولت‌های منطقه	کنشگران کلیدی فرامنطقه‌ای		
	ترکیب نیروهای رسمی نظامی کشور هدف		
	ترکیب نیروهای شبه نظامی دولتی، نیروهای شبه نظامی غیر دولتی، رزمندگان غیر مسلح و مسلح غیرنظامی		
	ترکیب و استعداد ادوات نظامی و پشتیبانی کشور هدف		
	میزان بلوغ نظامی کشور هدف: فرماندهی و کنترل، مانور، جنگ اطلاعاتی، پشتیبانی آتش، حفاظت و تدارکات		
	محدودیت‌های توانایی نظامی کشور هدف و ظرفیت‌های بهره‌برداری از آن محدودیت‌ها		

شاخص دیدبانی		حوزه دیدبانی	ردیف
میزان و تنوع معادن و منابع اولیه در دسترس	وضعیت شاخص‌های پایه اقتصادی (رشد، اشتغال، تورم)	اقتصادی و مالی	۳
کیفیت و تنوع تولید و تأمین انرژی	فعالیت‌های اقتصادی رسمی و تنوع کسب و کارها		
وضعیت تجارت خارجی (شرکا، حجم مبادلات و ...)	فعالیت‌های اقتصادی غیر رسمی		
پایه اقتصادی (کشاورزی، صنعت، فناوری و ...)			
	وضعیت تحریمی کشور هدف		
گروه‌های مرجع فرهنگی	ترکیب فرهنگی	اجتماعی و فرهنگی	۴
سطح سواد و میزان تحصیلات مردم	ترکیب قومی و مذهبی		
گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی	توزیع سنی جمعیت		
	توزیع جغرافیایی جمعیت		
تنوع کارکردهای اطلاعاتی-امنیتی	ماهیت و مشخصات رسانه‌های ارتباطی	اطلاعاتی	۵
سطح بلوغ فناوری جنگ اطلاعاتی	میزان کنترل و محدودیت اطلاعات		
جایگاه جامعه اطلاعاتی کشور هدف در حاکمیت	ظرفیت‌ها و توانایی‌های جنگ اطلاعاتی		
میزان نفوذ داخلی جامعه اطلاعاتی			
میزان نفوذ خارجی جامعه اطلاعاتی			
کیفیت توزیع زیرساخت‌های امدادی و درمانی	الگوهای رایج ساخت و ساز، مناطق شهری و تراکم	زیرساختی، زیست محیطی و محیط فیزیکی	۶
وضعیت آب و هوایی	کیفیت و معماری زیرساخت‌های آب، برق		
وضعیت توزیع و تنوع بلایای طبیعی	تنوع انرژی و خطوط انتقال آن		
مسیرها و شبکه‌های حمل و نقل (درون و برون شهری)			
شبکه‌های ارتباطی (تلفن، ماهواره، موبایل، ...)			
چگونگی ادراک عنصر زمان و طول دوره تحولات توسط کنشگران مختلف		زمان	۷
تاریخ‌ها، دوره‌های زمانی یا رویدادهای کلیدی			
درک فرهنگ بومی منطقه از مفهوم زمان			

در جدول فوق محورهای زیست محیطی و زیرساختی با توجه به اشتراکات فراوان عناوین و موضوعات با هم ادغام شدند. بر این اساس، تعداد ۵۱ مورد در ۷ محور فوق‌الذکر به عنوان شاخص‌های دیدبانی تحولات راهبردی در منطقه غرب آسیا احصا شد. این شاخص‌ها مبنا و شابلون عملیات دیدبانی در این منطقه شناخته می‌شوند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

به طور خلاصه، پژوهش حاضر تلاشی در راستای نیل به آگاهی جامع موقعیتی در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا ارزیابی می‌شود. به بیان دیگر، در بستر آینده‌پژوهی راهبردی و در مقیاس منطقه‌ای پیش از آنکه به دنبال پیاده‌سازی سامانه دیدبانی بر اساس فرایندهای مبتنی بر مدل‌های شناخته شده آینده‌پژوهی یا دیدبانی باشیم، نیاز به توسعه چارچوبی برای مشاهده هدفمند تحولات راهبردی در منطقه غرب آسیا احساس می‌شود.

چارچوب توسعه یافته در این پژوهش مبتنی بر دو مفهوم مجموعه‌های امنیت منطقه‌ای روابط بین‌الملل و دیدبانی آینده‌پژوهی توسعه یافته است. همچنین برای افراز حوزه‌های راهبردی به جای استفاده از چارچوب‌های شناخته شده علم مدیریت نظیر STEEPV، PESTEL و ...، بر اساس پویای عمیق اسناد راهبردی اندیشکده‌های مهم امنیتی جهان، چارچوب پیشرفته PMSEIPT که انطباق حداکثری با مفاهیم اصلی این پژوهش دارد برگزیده شده و مورد استفاده قرار گرفت.

ماحصل تلاش‌های صورت گرفته در این پژوهش که با عنوان چارچوب دیدبانی تحولات راهبردی محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران به رشته تحریر درآمده، پاسخ به دو پرسش اساسی است: دینامیک تحولات محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران چگونه و بر اساس چه الگویی قابل تحلیل است؟ و چه عوامل و مولفه‌هایی در دیدبانی محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران باید مورد توجه و رصد قرار گیرد؟ زیرسیستم‌های ۵ گانه احصا شده مبتنی بر وابستگی متقابل امنیتی در منطقه غرب آسیا در پاسخ به پرسش نخست؛ و مولفه‌های ۵۱ گانه دیدبانی راهبردی در پاسخ به پرسش دوم، عناصر سازنده این چارچوب را تشکیل داده‌اند.

چارچوب ارائه شده در این پژوهش به خودی خود ضمانت اجرا نداشته و نمی‌تواند منجر به آگاهی موقعیتی شود. به عنوان پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی، توسعه مدلی جامع برای دیدبانی تحولات راهبردی محیط امنیتی ایران در منطقه غرب آسیا یکی از نیازهای اساسی است که در راستای کسب آگاهی جامع موقعیتی کشور در شرایط به شدت متحول و مملو از غافلگیری مقتضی است به آن پرداخته شود.

فهرست منابع

- Aghaee SD, Nooralivand Y. (2020). Mohit-e Amniati va Siasatgozari-e Khareji va Amniati [Security Environment and Foreign and Security Policymaking; Proposing an Analytical Model]. *Journal Strategic Studies of Public Policy*, 9(33), 2-23.
- Aghajani, S., & Motaghi, E. (2017). Senāriohā-ye maḥīyat-e amniyatī jomhūrī-ye eslāmī-e Īrān va rāhbordhā-ye koneš-e fa'al. [Scenarios of the Security Environment of the Islamic Republic of Iran and Active Response Strategies]. *National Security Quarterly*, 7(25), 66.
- Ataollahi, F., Dehnouyeh, R., & Atashbahar, U.B. (2016). Ayandeh-pezhūhi bā estefade az taknik-e pūyesh-e mahiyati. [Futurology Using Environmental Scanning Technique]. *Strategic Studies in Public Policy Making Quarterly*, 6(21), 7-9.
- Daheshyar, Hosein (2008), Liberalism, emperaturi va adam-e niaz be Tavazon [Liberalism, Empire and no Need of Balance], , the quarterly journal of political and international approaches, 5(19), 49-56
- Dehshiri, M., & Shahmoradi, H. (2020). Factors Determining the Security Order in West Asia Based on the Theory of Comprehensive Balance. *Journal of International Relations Studies*, 13(1), 75-108.
- Faghihzadeh Gorji H., Eslami M., Jamshidi M. (2019), Geopolitical Security Environment of Israel and its Identical Policy, *Geopolitics Quarterly*, Volume: 14, No 4, 130-148.
- Fahey, Liam and William R. King (1977), *Environmental Scanning for Corporate Planning*, *Business Horizons*, Long Range Planning, no. 4 (August), pp. 61-71.- Finizadeh Bidgoli, J. (2017). Erāye alaghuī-ye erteqā-ye nefudh dar maḥīyat-e amniyatī dar ḥāl-e gozār. [Presenting a Model for Enhancing Influence in a Transitional Security Environment]. *National Security Quarterly*, 6(23), 86.
- Farhadi, M. (2017). Taghyir-e ravīkar-e siyāsāt-e khāreji-ye Īrān dar Āsiyā-ye miyāneh va tāsīr ān bar maḥīyat-e amniyatī jomhūrī-ye eslāmī-e Īrān. [Changing the US Foreign Policy Approach in the Middle East and Its Impact on the Security Environment of the Islamic Republic of Iran]. *National Security Quarterly*, 6(23), 141.
- Finizadeh Bidgoli; Jafar (2016), Eraeh-ye Olguy-ye Erteqa-ye Nofuz Dar Mohit-e Amniati-e Dar Hal-e Gozar [Presenting a model for improving influence in the transitioning security environment], *National Security Quarterly*, 7(23), page 86
- Kodalle, T., Ormrod, D., Sample, C., & Scott, K. (2020). A General Theory of Influence in a DIME/PMESII/ASCOP/IRC2 Model. *Journal of Information Warfare*, 19(2), 12–26.
- Normohammadi, M., & Fasihi Dolatshahi, M.A. (2018). Karbastan nazariye majmue amniyati mantaghe'i dar tahlie masael va alaghuha-ye ravabet dar jonub Āsiyā. [Application of Regional Security Complex Theory in Analyzing Issues and Patterns of Relations in South Asia]. *Political and International Approaches Journal*, 10(2), 153-189.
- Seifi KALESTAN, A., Gharayi Ashtiyani, M., & Poursadegh, N. (2022). Exploration of Weak Signals methodology and conceptual position in Futures Studies and Emerging Technologies literature: A Comparative Qualitative Study. *Futures Studies Of The Islamic Revolution*, 3(3), 11-48.
- Shamsoddini, M., & Arab bafrani, M. R. (2023). The seeding of the new world order and the scenarios of the future geometry of the world. *Futures Studies Of The Islamic Revolution*, 4(1), 75-94.

- Tabatabaei, S.M., & Fathi, M.J. (2015). Tahavol-e mafhume amniyat dar NATO pas az jang-e sard bar asas-e maktab Kopenhagen. [The Evolution of the Concept of Security in NATO after the Cold War Based on the Copenhagen School]. *Strategic Studies in Public Policy Making Quarterly*, 5(17), 6-42.
- Butzer, Karl W. (1965), *Physical Conditions in Eastern Europe, Western Asia and Egypt Before the Period of Agricultural and Urban Settlement*, Cambridge University Press.
- Buzan, B., & Wæver, O. (2003). *Regions and Powers: The Structure of International Security* (Cambridge Studies in International Relations). Cambridge: Cambridge University Press. 56-220.
- David, Ruth A. (2005), *Avoiding Surprise in an Era of Global Technology Advances*, US National Academy of Sciences, 213.
- Koch, Bettina; Stivachtis, Yannis A., *Regional Security in the Middle East*, International Relations Publishing (2019), ISBN 978-1-910814-51-2, 99-146.
- Miles, I., Saritas, O., & Sokolov, A. (2016). *Foresight for Science, Technology and Innovation*. (Science, Technology and Innovation Studies). Springer Nature.
- Pedram, A., & Ahmadian, M. (2016). *Āmūzeh-hā va āzmudefahā-ye āyandeh-pezhūhi*. [Lessons and Experiences of Future Studies]. Tehran: Strategic Future Horizon Publications, 151-191.
- Rennell, J. (2014). *Treatise on the Comparative Geography of Western Asia: Accompanied with an Atlas of Maps* (Cambridge Library Collection - Travel, Middle East and Asia Minor). Cambridge: Cambridge University Press.
- Seeberg, P. (2016), *Analysing security subcomplexes in a changing Middle East — the role of non-Arab state actors and non-state actors*. *Palgrave Commun* 2, 16087.
- Vaezi, M. (2007). *Geopolitik-e bahran dar Āsiyaye markazi va qafqaz* [Geopolitics of Crisis in Central Asia and the Caucasus]. Tehran: Ministry of Foreign Affairs Printing and Publishing Center, 82-89.
- Van Der Meer, Petrus (1955), *The Chronology of Ancient Western Asia and Egypt*, Brill Archive Press.
- Young, Karen E. (2021), *The Middle East and the Global Energy Transition*, Middle East Institute, <https://www.mei.edu/publications/middle-east-and-global-energy-transition>
- Puri-Mirza, Amna (2022), *Oil industry in the Middle East - statistics & facts*, Statista, <https://www.statista.com/topics/6508/middle-east-oil-industry>
- Redden, Jim (2022), *Regional Report: Middle East - Amid oil pleas, gas taking center stage*, World Oil, <https://www.worldoil.com/magazine/2022/october-2022/features/regional-report-middle-east-amid-oil-pleas-gas-taking-center-stage>



